



هفت خان تولید مجسمه های شاهنامه

حسن آقآن قدر در این کار، عمیق و حرفه ای شده که صفر تا صد تبدیل یک طرح روی کاغذ به مجسمه ای زیبا برایش به سادگی آب خوردن است. خمیری جلودستش است و در حال قالب گیری رستم نشسته بر رخس است؛ روند کار را چنین بیان می کند: ابتدا با مراجعه به شاهنامه، یکی از شخصیت ها را از آن بیرون می کشیم. سپس طراحی اش را طوری انجام می دهیم که به باور مردم هم نزدیک باشد. این طرح را به شکل سه بعدی پرینت می گیریم یا روی خمیر درمی آوریم. بعد که طرح روی خمیر اجرا شد، قالب می زنیم. قالب آماده شده را می فرستیم ریخته گری. سپس مجسمه خارج می شود و برای پلیسه گیری به بخش دیگری می رود. با پایان این مرحله مجسمه شسته می شود، رنگ می خورد، پتینه کاری رویش انجام می شود و اگر نیاز باشد، کهنه کاری می شود.

پرسش و پاسخ با علی شاه حسینی

هرکدامتان چند بار شاهنامه را کامل خوانده اید؟

یک بار.

بیشتر مسافران کدام شهرها شاهنامه می خرند؟

تهرانی ها.

درخواست اصلی گردشگران خارجی؟

شاهنامه را به انگلیسی می خوانند و وقتی با پاسخ مثبت ما رویه رو می شوند، واقعا تعجب می کنند که کتاب فردوسی را به زبان انگلیسی داریم. البته که الان دیگر مثل سابق گردشگر خارجی نمی آید.

بیشترین درخواست مردم در خرید شاهنامه؟

شاهنامه ای می خواهند که ساده و خلاصه باشد. به بهانه اینکه وقت خواندن ندارند.

عجیب ترین درخواست های مردمی در ارتباط با شاهنامه و فردوسی؟

مثلا می گویند «تعبیر خواب فردوسی» هم دارید یا اینکه فال فردوسی بدهید. احتی برخی شاهنامه ای می خواهند که داخل جیب جا شود!

دیدگاه مشهدی ها درباره آرامگاه فردوسی؟

بازدید مشهدی ها از آرامگاه فردوسی نسبت به گذشته زیاد شده و تغییر چشمگیری کرده است و همین بهترین نشانه اصلاح دیدگاه هاست.

اولویت خرید مردم، کتاب است یا مجسمه؟

همیشه کتاب؛ خرید مجسمه در زمان های خاص بیشتر می شود.

برانداز کرد. روی یکی از میزها پر است از مجسمه رستم با گرز گاوسر. روی میز دیگری پرچم های کاوه آهنگر جفت هم چیده شده. روی میز کوچک سیاوش و اسبش در گریز از آتش اند. میز کناری آرش کمانش را به دست گرفته. روی میز بزرگ تر فردوسی به صندلی تکیه زده و ده ها طرح دیگر. داخل کارتن ها هم سر پچر خانی، به جز این ها می توانی مجسمه های رومیزی دیگری را پیدا کنی.

حسن آقا با همراهی برادرها و گروهش که متشکل از برادرزاده اش، امیررضا و چند بانوست، این مجسمه ها را می سازند. امیررضا در طراحی کمک می کند. برادرها در ارائه الگو و خودش در اجرای الگو. قالب گیری و تولید. حسن شاه حسینی بزرگ ترین این چهار برادر است که خوب به یاد دارد مادرش، بی بی ربابه تقوی، در سال ۱۳۵۵ چطور طرح فردوسی را روی فرش نقش زد. حتی روزهایی را به یاد می آورد که با همراهی مرحوم پدرش مقابل آرامگاه فردوسی می نشست و نقالی شاهنامه را تماشا می کرد.

او با گفتن این خاطرات و نشان دادن مجسمه های داخل آرامگاه فردوسی که همیشه فکر می کرد چطور ساخته شده اند از عشقش به هنر می گوید: «در کنار کتاب های شاهنامه، دکوری و مجسمه های مرتبط را هم می فروختیم که برای تهیه به تهران سفارش می دادیم. سال ۱۳۹۰ تصمیم گرفتیم خودمان به تولید مجسمه بپردازیم. اصل کار و نیتیمان هم این بود که کپی نکنیم. به عنوان نمونه مجسمه رستم را به استاد آفتابی سفارش دادیم که طبق ایده و طرح ما چهار ماه تولیدش طول کشید؛ بعد از روی آن خودمان تولید کردیم.

حسن آقا ادامه می دهد: شاید باورتان نشود که در تولید مجسمه هم به اندازه انتشار کتاب حساس هستیم و همان طور که در کتاب های شاهنامه باید اصل حفظ شود، در مجسمه های شاهنامه هم باید همین باشد. گاهی برای تولید یک قالب هفته ها زمان می گذاریم. امیررضا روزها روی طراحی آن فکر می کند تا شخصیت های داخل شاهنامه به درستی در قالب مجسمه در آیند. هر بار هم بیشتر تلاش می کنیم تا نقص کار کم شود؛ چون خودمان راندیون فردوسی می دانیم. الان هم با همین تلاش ها موفق شده ایم ۲۷ عنوان از شخصیت های داخل شاهنامه را در قالب مجسمه در آوریم. مجسمه هایی که با آدم ها به شهرهای مختلف سفر کرده اند.

مردم شاهنامه خوان تر شده اند

حسین آقا که دبیر ریاضی است و در بخش چاپ و آماده کردن کتاب ها فعال است، بر این باور است که مردم امروز فردوسی را بیشتر می شناسند و شاهنامه دوست تر شده اند.

به گفته او گنجاندن موضوع سفر به مشهد و توس در کتاب فارسی دوم بسیار مؤثر بوده است: «خیلی از چیزهایی که مایاد می گیریم، در دوره کودکی رخ می دهد. امروز با گنجاندن درس سفر به مشهد و توس در کتاب فارسی دوم دبستان، خیلی از مسافرها وقتی برای خرید به ما مراجعه می کنند، برای کودکان کتاب شاهنامه را می خواهند و تصریح می کنند به خاطر اصرارهای فرزندانشان که در کتاب مدرسه، سفر به توس را خوانده اند، به آرامگاه آمده اند.»

او که پر فروش ترین کتاب در فروشگاه داخل آرامگاه را «شاهنامه و کودک» معرفی می کند، از شاهنامه خوان تر شدن مردم نسبت به گذشته می گوید.

به مسائل اقتصادی زیاد فکر نمی کنیم

«ذوق و علاقه است که ما را هل می دهد. شاید اگر هریک از ما چهار برادر این وقت و سرمایه رادر جای دیگری به عنوان مثال بنگاه داری صرف می کرد، از نظر اقتصادی خیلی جلوتر بود. اما همه علاقه مادر کار برای فردوسی و شاهنامه خلاصه شده است و لذت می بریم از این کار. به همین دلیل دو دو تا چهار تا نمی کنیم و در مسائل اقتصادی ریز نمی شویم. الان هم اولویت مان فقط آرامگاه فردوسی است؛ به خاطر همین کتاب هایی را که تألیف کرده ایم، فقط به باغ کتاب تهران می فرستیم و از جای دیگری سفارش قبول نمی کنیم.»

این را علی آقامی گوید و بقیه برادرها هم تأیید می کنند. او می گوید: من هر روز از آن سر مشهد خودم را به آرامگاه فردوسی می رسانم اما حتی یک روز هم حس نکردم از این رفت و آمد خسته و دل سرد شده ام. اما از برخورد مسئولان بارها دل سرد شده ام.

مدیون فردوسی ام

درست در همسایگی آرامگاه فردوسی، همان جاکه زال در مجسمه اش با زدها گلاویز شده یا آنجا که آرش کمانگیر با تمام توان، کمان پهلوانی را کشیده، با فاصله چند قدم، کارگاهی است که ریز همه این مجسمه ها را می سازد. پرده ورودی مغازه را که کنار بزی، اتاقی چهل پنجاه متری پیش چشمت ظاهر می شود با دیوارهای رنگی که نونوار شدن را انتظار می کشند. مقابل دیوارها چند میز با ابزارهای ریز و درشت و انواع مجسمه را می توان

